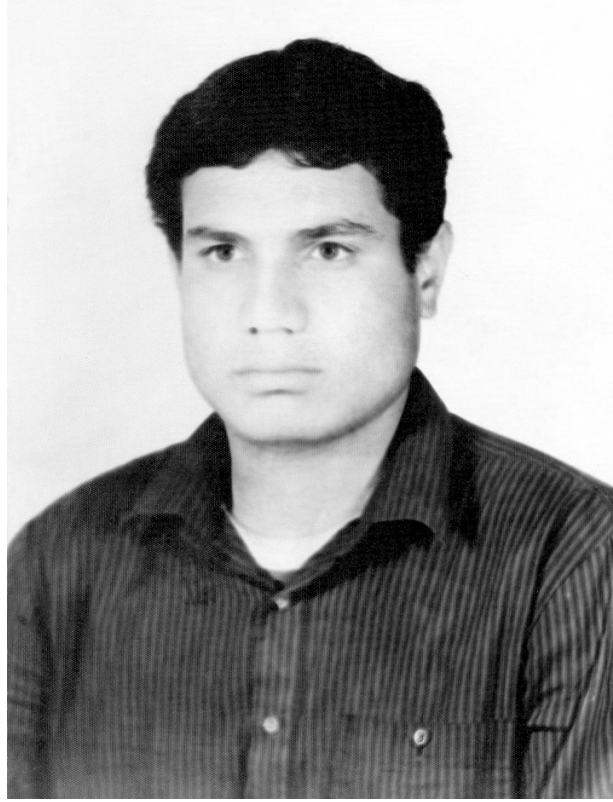


## شهيد محمد آوريد



سامانه جامع سرداران و دوزخ شهيده استان بوشهر

نام پدر	حسن
تاریخ تولد	۱۳۴۹/۰۴/۰۹
محل تولد	بوشهر - گناوه
تاریخ شهادت	۱۳۶۹/۰۱/۳۰
محل شهادت	پاسگاه بیرجند
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	پاسدار کمیته
شغل	پاسدار کمیته
تحصیلات	دوره راهنمایی
مدفن	گناوه

## زندگینامه

شهید محمد آورند فرزند حسن در سال ۱۳۴۹ در روستای کردوان سفلی از توابع شهرستان خورموج در خانواده‌ای فقیر و مذهبی متولد گردید. در سن هفت سالگی راهی مدرسه شد و پنج سال دوران ابتدائی را در دبستان وحدت با موفقیت به پایان برد و خواندن قرآن و نماز را از همان دوران کودکی فرا گرفت وی پس از پایان دوره ابتدائی وارد مدرسه راهنمایی شهید ماهینی روستا گردید و دوم راهنمایی هم با موفقیت پشت سر گذاشت.

شهید در راهپیمائی‌ها شرکت گسترده داشت چون علاقه زیادی به جبهه داشت نبرد در جبهه را واجب‌تر و لازم‌تر از سنگر مدرسه دانست ولی چون سنش کم بود چند بار که خواست راهی جبهه شود او را نپذیرفتند اینقدر علاقه و شور و شوق در سرش بود که با اضافه نمودن سنش به مقصود خود رسید و راهی جبهه شد اولین مرحله شرکت او در جبهه در سال ۶۱ بود و پس از ماموریت سه ماه نبرد در جبهه‌ها به خانواده بازگشت.

بعد از بازگشت از جبهه چون وضع مالی خانواده‌اش مساعد نبود نتوانست به تحصیل ادامه دهد در نتیجه برای یاری و کمک رساندن به پدر پیرش مشغول کار گردید و چون شرکت خود را در گروه مقاومت روستا نیز لازم دانست عضو گروه مقاومت شد و در تشویق و ترغیب مردم برای رفتن جبهه و شرکت در مراسم تلاش گسترده می نمود. بار دیگر در سال ۶۳ راهی جبهه شد و پس از سه ماه جنگ با دژ خیمان کافر به خانه بازگشت شهید یک بار دیگر نیز در سال ۶۴ راهی جبهه‌ها گردید و در همه این مراحل از خداوند شهادت را طلب می کرد.

شهید در سال ۱۳۶۶ با خانواده روستا را ترک گفتند و به شهرستان گناوه مهاجرت نموده تا شاید بتواند با کار و فعالیت بیشتر در یاری رساندن به پدرش و امرار معاش زندگی سهم بیشتری داشته باشد و پس از دو سال کار دفترچه آماده به خدمت را دریافت کرد و چون علاقه زیادی به خدمت در کمیته داشت و فکر کرد شاید بهتر بتواند در این نهاد انقلابی از میهن و ناموس خود حفاظت نماید. در تاریخ ۱۳۶۸/۸/۲۳ به خدمت مشغول گردید و پس از آموزش چند مرتبه به مرخصی آمد و پس از آخرین وداع با خانواده در تاریخ ۱۳۶۹/۱/۲۹ نبردی جانانه در برابر دشمنان اسلام و قرآن و مزدوران استکبار جهانی و قاچاقچیان مواد مخدر در محل خدمت خود در بیرجند به درجه رفیع شهادت نائل آمد همان آرزویی که همیشه در دل داشت. لازم به یادآوری است که در روزهای آخر حیات شهید خبر شهادت خود را میداد و در فکر وصیت نامه نوشتن بود امیدواریم که ما ادامه دهنده و راهرو راه شهید باشیم

## وصیت نامه

به نام خدای محمد به نام خدای علی و به نام خدای حسین و به نام خدای شهیدان. سلام به شما پدر و مادر عزیزم که مرا به این سن رساندید و تقدیم جامعه اسلامی و مکتبی و الهی دادید امیدوارم که مرا ببخشید و اگر اشتباهی یا گناهی از من سرزده باشد مرا ببخشید و از خدای متعال در خواست کنید که مرا مورد رحمت خود قرار دهد پدر و مادر عزیزم شما خوشحال باشید که پسری بزرگ کردید و در راه اسلام و قرآن دادید مادر مهربانم اگر من شهید شدم هر چند که من لیاقت شهید شدن را در خود نمی بینم از شما می خواهم که زیاد نگرید و بی تابی نکنید اولاً روح من ناراحت می شود و دوم اینکه منافقان ضد انقلاب از ناراحتی و بی تابی شما خوشحال می شوند و بر راه پلیدشان ادامه می دهند اگر شما مثل برادران و خواهران و مادران شهید پرور صبور باشید منافقین و خائنین ضربه خواهند خورد و شاید به آغوش اسلام عزیز باز گردند این نیز تقاضای من از شما پدران و مادران و برادران و خواهران غیور ایران است .

در پایان از برادران حزب الله می خواهم که امام را تنها نگذارید و برای طول عمر امام دعا کنید و در ضمن از خواهران حزب الله می خواهم که حجاب اسلامی را رعایت کنند در پایان سخنانم از تک تک دوستان و برادرانم می خواهم که اگر اشتباهی از من سرزده مرا ببخشید یک پیامی هم به خانواده ام و تشییع کنندگان جنازه ام که مرا در زادگاهم یعنی همان کردوان سفلی در کنار امام زاده عهدالله در کنار برادران عزیزم و علی کشاورز به خاک بسپارد و در پایان بار دیگر تکرار میکنم امام را تنها نگذارید و امام را دعا کنید .



سامانہ جامع سرداران و دوحہ ششمیہ استان بوشهر